



The Ontological Foundations of Waiting in the Intellectual System of Ayatollah Khamenei

Mahmoud Maleki Rad¹

Received: 13/12/2019

Accepted: 12/01/2020

Abstract

Examining the foundations of the waiting in the intellectual system of Islamic thinkers, inspired by those thoughts, prepares the waiting community for the creation and realization of the promised and ideal Islamic community, which in Islamic thought is referred to as the global government of Imam Mahdi (as). Therefore, by identifying the different effects and aspects of the waiting, it can help us in policy-making and planning for the future of Islamic community in order to revive Islamic civilization.

The waiting in the intellectual system of Ayatollah Khamenei is influenced by ontology, epistemology, anthropology and Islamic sociology. In the current study, the ontological foundations of the waiting in the intellectual system of Ayatollah Khamenei are examined, and this question is answered: What are the ontological foundations of the waiting based on the intellectual system of the Supreme Leader of the Iranian Revolution? In order to answer and explain this question, it has been referred to his written and narrated works that are available on the website, and in their analysis, both rational and narrative methods have been used. In Ayatollah Khamenei's intellectual system, the ontological foundations of the waiting are based on monotheism. In this paper, the three ontological foundations of divine policy, wisdom, and grace in the universe have been examined and the relationship between the waiting and these three foundations has been explained.

Keywords

Ayatollah Khamenei, Mahdism, ontology, the waiting, intellectual system.

¹. Assistant professor at Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. m.malekirad@isca.ac.ir.

مبانی هستی‌شناختی انتظار در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی

محمود ملکی‌راد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

چکیده

بررسی مبانی انتظار در منظومه فکری اندیشمندان اسلامی موجب می‌شود با الهام از آن افکار، جامعه منتظر خود را برای ایجاد و تحقق جامعه موعود و آرمانی اسلامی که در اندیشه اسلامی از آن به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام یاد می‌شود، آماده نماید؛ در نتیجه با شناخت آثار و ابعاد مختلف انتظار می‌توان در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آینده جامعه اسلامی به منظور احیای تمدن اسلامی از آن کمک گرفت. انتظار در منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای - مدظله - متأثر از هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناسی اسلامی است. در نوشته پیش‌رو، مبانی هستی‌شناختی انتظار در منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله) بررسی گردیده، به این سؤال پاسخ داده می‌شود که: «مبانی هستی‌شناختی انتظار بر اساس منظومه فکری رهبر معظم انقلاب (مدظله) چیست؟» برای یافتن پاسخ این پرسش و تبیین آن، به آثار مکتوب و منقول معظم‌له که در سایت منعکس شده، مراجعه گردیده و در تحلیل آن‌ها از روش عقلی و نقلی توأمان بهره گرفته شده است. در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) مبانی هستی‌شناختی انتظار مبتنی بر محور و مدار توحید است. در این مقاله، سه مبنای هستی‌شناختی تدبیر و حکمت و لطف الهی در جهان هستی، بررسی شده و ارتباط انتظار با این سه، تبیین گردیده است.

کلیدواژه‌ها

آیت‌الله خامنه‌ای، مهدویت، هستی‌شناختی، انتظار، منظومه فکری.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
m.malekirad@isca.ac.ir

* ملکی‌راد، محمود. (۱۳۹۹). مبانی هستی‌شناختی انتظار در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی. فصلنامه علمی - تخصصی جامعه مهدوی، (۱)۱، صص ۸۴-۱۰۲. Doi: 10.22081/jm.2020.57963.1009

مقدمه

اندیشه مهدویت در فرهنگ شیعی، به علت گره خوردن آن با اعتقاد به امام حی و غایب از اهمیت و جایگاه ممتازی برخوردار است. این اندیشه، دارای ظرفیت‌ها، کارکردها و آثار متعددی است و در حوزه‌های فردی و اجتماعی، آثار و پیامدهای بسیاری دارد. بیشترین آثار و کارکردهای مهدویت، با بحث «انتظار» گره خورده است. انتظار فرج، موجب آمادگی جامعه در حوزه‌های مختلف اعتقادی و فکری، اخلاقی و تربیتی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی است و موجب می‌شود آرمان‌گرایی و نشاط و پویایی و وظیفه‌شناسی و روح امید در افراد زنده گردد. اهمیت و جایگاه مقوله انتظار، موجب شده است این مسئله همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی به‌خصوص شیعه قرار گیرد و حرکت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را بر اساس آن پی‌ریزی کنند. بی‌شک بررسی دیدگاه عالمان اسلامی و تبیین ابعاد مختلف انتظار در منظومه فکری آنان، علاوه بر آثار اجتماعی و سیاسی آن، در ارائه الگو برای نسل جدید، تأثیر بسیاری خواهد داشت. بر این اساس در نوشته پیش‌رو بعد از مفهوم‌شناسی، مبانی هستی‌شناختی انتظار در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - مد ظله - بررسی، و در این باره، به سه مبنا انتظار و تدبیر الهی، انتظار و حکمت الهی و انتظار و لطف الهی اشاره خواهد شد.

مفهوم‌شناسی

مبانی هستی‌شناختی

کلمه مبانی از ریشه «بنی، بنا» است که در لغت بر معانی مختلفی چون اساس، بنیان، بنیاد و ریشه دلالت دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۴). در روایت آمده است: «بُنِیَ الْإِسْلَامَ عَلَی خَمْسٍ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷)؛ اسلام بر پنج چیز بنا شده است»؛ یعنی این امور، پایه‌های اصلی دین اسلام و اصل و اساس آن به‌شمار می‌روند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۴). معنای اصلی این واژه، ضمیمه‌سازی اجزا و مواد و عناصر خاص به یکدیگر به منظور پیدایش ساختار ویژه با کیفیت و هیئت خاص است؛ تفاوت ندارد آن ساختار مادی باشد یا معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۴۴).

در هر علم، منظور از مبانی و زیرساخت‌های آن علم است، نه جزئیات و فرعیات آن. واژه مبانی از ریشه «بنی، بنا» به معنای پایه و اساس و بنیان و زیرساخت‌های چیزی است؛ چنان که به دیوار، بنیان گفته شده است؛ زیرا با وصل شدن اجزای مختلف به هم اتصال محکم می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۶۴). این واژه در آیه «كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْضُوضٌ» (صف، ۴) به معنای بنایی استوار و انهدام‌ناپذیر است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۶۵).

اصولاً امور اعتقادی بر پایه‌ها و زیرساخت‌هایی استوارند که بدان‌ها مبانی اعتقادی یا مبانی فکری آن اعتقاد گفته می‌شود و بنایی استوار از جهت اعتقادی ایجاد می‌کنند؛ به گونه‌ای که به راحتی قابل زوال و انهدام نیستند؛ بنابراین مبانی فکری، عبارت از پایه‌ها و زیرساخت‌هایی است که یک امر اعتقادی بر آن استوار می‌باشد. مبانی فکری به واسطه تنوع موضوعاتش متنوع خواهد بود؛ مانند مبانی هستی‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی و ...

هستی‌شناختی یا وجودشناختی (Ontology) شاخه‌ای از فلسفه است که به مطالعه هستی و وجود اعم از واجب الوجود و ممکن الوجود، می‌پردازد. تفاوتش با جهان‌شناسی در این است که در جهان‌شناسی، شناخت جهان هستی به عنوان ممکن الوجود و جهان خلقت مد نظر است؛ بنابراین هستی‌شناختی اعم از آن است. از منظر جهان‌بینی اسلامی هستی‌شناختی در کنار معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین اصل به‌شمار می‌رود. مهم‌ترین مسائل و موضوعات هستی‌شناختی عبارتند از: ساخت وجود و ماهیت هستی و جهان، علت محدثه و مبقیه هستی، سرانجام هستی، هدف از آفرینش، سنت‌ها و اصول حاکم بر هستی و ...

منظور از مبانی هستی‌شناختی، اصول و پایه‌ها و زیرساخت‌هایی است که ویژگی هستی و وجود است؛ به طوری که شناخت آن‌ها می‌تواند در تفسیر هستی و شناخت وجود، مؤثر باشد. از دیدگاه جهان‌بینی اسلامی، این مبانی، ارتباط هستی با خالق و غایت جهان را تبیین می‌کنند. اصولاً چگونگی تفسیر و شناخت یک متفکر و اندیشمند از پدیده‌های هستی و عالم وجود، ریشه در مبانی هستی‌شناختی او دارد. مراد از مبانی هستی‌شناختی انتظار، مبانی‌ای می‌باشد که در ارتباط با خالق هستی است و در نتیجه بر

محور و مدار توحید است که انتظار از نظر فکری و اعتقادی بر آن‌ها استوار است؛ مانند مبنای تدبیر و حکمت الهی و لطف در جهان هستی و ابتنای انتظار بر آن‌ها.

انتظار

انتظار در لغت به معنای ترقب و توقع چیزی داشتن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۲۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۱) و چشم به راه بودن چیزی است و در تعریف اصطلاحی، عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که موجب آمادگی فرد برای چیزی که در انتظارش است حکایت می‌کند (موسوی اصفهانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۱۵۲). «انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸). منتظر، کسی است که در خود، آمادگی لازم برای ظهور امام زمان علیه السلام را ایجاد می‌کند. این آمادگی باعث می‌شود وی از حالت روحی مناسبی برخوردار باشد و با تلاش و مجاهدت، خود را برای رسیدن به آینده‌ای روشن، آماده نگه دارد. با این وصف، انتظار از سنخ تلاش و عمل و تکاپو و تحرک است. «انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها ... انتظار یک عمل است، بی‌عملی نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

در نهایت در جمع‌بندی معنای اصطلاحی انتظار می‌توان گفت: «انتظار به معنای اشتیاق انسان، برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۰/۰۶).

منظومه فکری

«منظومه» در لغت به معنای هر چیزی واقع شده در صف و قطار و در نظم است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۱۶۷۲). منظومه فکری به مجموعه مبانی فکری، اهداف، اصول و مبانی، بایدها و نبایدها و روش‌هایی گفته می‌شود که با یکدیگر هماهنگ و در ارتباط هستند و تبیین نظام‌مند و جهت‌دار از موضوع خاصی را ارائه می‌دهد. در واقع منظومه

فکری، پارادایم و الگوی جامع و طرح راهبردی و هماهنگ و منسجم است که در آن، اصول و اهداف و مبانی و ... مشخص است. این اصول و مبانی، ناشی از طرز تلقی فرد از جهان هستی و انسان و جامعه است. با این وصف می‌توان گفت: منظومه فکری، مجموعه‌ای از اندیشه‌هایی است که ارزش‌ها و رفتارهای خاصی را ایجاد می‌کنند و در تعامل با یکدیگر برای رسیدن به هدف واحد در تلاشند. قوام منظومه فکری به اندیشه‌ای است که از آن شکل گرفته است. در شکل‌گیری اندیشه، عواملی چون مبانی نظری یعنی نوع نگاه به هستی، انسان و جامعه و ابعاد و ویژگی‌های فردی و شخصیتی و تحول‌های زمانه اندیشمند، دارای تأثیر است که ممکن است به نظریات مختلف منتج شود.

بنابراین منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای -مد ظله- عبارت است از هستی‌شناختی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی خاص و مبتنی بر اندیشه‌ای است که از مبانی نظری و عقیدتی و مقتضیات و تحولات زمانی و نوع نگاه این بزرگوار به جهان، انسان و جامعه برگرفته می‌شود.

مبانی هستی‌شناختی انتظار

گفته شد منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای -مد ظله- متشکل از مبانی، اصول، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و آرا و نظریات برگرفته از مبانی مختلف هستی‌شناختی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، دین‌شناسی و جامعه‌شناسی است. در واقع، تبیین دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره انتظار، متأثر از چگونگی هستی‌شناختی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی این بزرگوار است. در نوشته پیش‌رو مبانی هستی‌شناختی انتظار در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب بررسی می‌شود. بر این اساس باید دید که این مبانی چه تأثیری در شکل‌گیری نظریه انتظار از دیدگاه رهبر انقلاب دارند. لازم به یادآوری است که دیدگاه رهبر معظم انقلاب به عنوان یک اندیشمند اسلامی درباره انتظار، متأثر از جهان‌بینی الهی و بر محور توحید استوار است و توحید، محور اصلی هستی‌شناختی این بزرگوار و بنیاد و ریشه و اصل همه اعتقادات است. یعنی در

منظومه فکری رهبر معظم انقلاب توحید، مبنای اصلی هستی‌شناختی این بزرگوار محسوب می‌شود.

بر اساس اصل توحید، مهم‌ترین مبانی عام هستی‌شناختی عبارتند از: حاکمیت تدبیر الهی بر هستی، نیازمندی جهان در حدوث و بقا به وجود خداوند، حاکمیت نظام اسباب و مسببات در اداره جهان، مبنای احسن بودن نظام هستی، حاکمیت حکمت و لطف الهی در جهان، زنده و با شعور بودن هستی و ... البته برخی از مبانی یادشده را می‌توان از مبانی هستی‌شناختی انتظار برشمرد. بدین سبب در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب مبانی هستی‌شناختی انتظار، متأثر از چگونگی هستی‌شناختی این بزرگوار بر محور توحید شکل گرفته و در این مقاله نیز مبانی هستی‌شناختی انتظار از این منظر بررسی می‌شود. مهم‌ترین مبانی هستی‌شناختی انتظار در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب عبارتند از:

۱. انتظار و تدبیر الهی

حاکمیت تدبیر الهی یکی از مبانی هستی‌شناختی است؛ بر اساس آن جهان هستی تحت اراده و تدبیر خداوند است. خداوند در قرآن کریم نیز در آیاتی چند به این واقعیت اشاره کرده، بر آن تأکید دارد و می‌فرماید: «... وَ مَنْ يَدَّبُّرُ الْأَمْرِ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ (یونس، ۳۱)؛ کیست که کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند؟ پس خواهند گفت: خداست»؛ یعنی خداوند تدبیر امور عالم را بر عهده دارد: «يَدَّبُّرُ الْأَمْرِ مِنَ السَّمَاءِ إِلَيَّ الْأَرْضِ» (سجده، ۵).

در معنای تدبیر، عناصری مانند تفکر و اندیشه، چینش و ترتیب خاص اشیا و امور، هدف و غایت داشتن لحاظ شده است. بر این اساس، جهان همانند یک سیستم یا دستگاهی است که اجزا و قطعات آن بر پایۀ طراحی برآمده از آگاهی برای دستیابی به اهداف و غایاتی از پیش تعیین شده، تنظیم و چینش شده است... جهان یک واحد منظم و یکپارچه است. از نتایج چنین مبنایی آن است که باید نظم در رفتارهای فردی و محیط اجتماعی انسان، به عنوان نقطۀ مطلوب مورد لحاظ قرار گیرد؛ زیرا در

این صورت است که هماهنگی میان او و دنیای پیرامونش تأمین خواهد شد و این فرصت را به انسان می‌دهد تا بتواند از هر چیزی به نحو شایسته آن استفاده کند؛ به بیان دیگر از آنجا که جهان نظام‌مند است، باید تلاش شود تمام رفتارها منظم و هماهنگ با نظام تکوین باشد. ... پذیرش این مبنا، این اقتضا را دارد که بی‌نظمی در رفتارهای انسان - چه در زندگی فردی و چه در رفتارهای اجتماعی - را یک بیماری تلقی کنیم؛ همان‌گونه که برهم خوردن نظم زندگی طبیعی انسان را بیماری می‌دانیم (ترخان، ۱۳۹۵، صص ۴۴-۴۵).

بر اساس مبنای یادشده، بی‌نظمی دائمی و قسر دائم^۱ در زندگی انسان با تدبیر الهی ناسازگاری دارد؛ بنابراین تدبیر الهی اقتضا می‌کند که روزی فرا برسد که بی‌نظمی از زندگی انسان برداشته شود. در جهان‌بینی الهی از چنین روزی به ظهور منجی یاد شده و در اندیشه اسلامی از آن به مهدویت تعبیر شده است. بر اساس این باور مردم در انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام به سر می‌برند. این مطلب مورد تأکید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای -مد ظله- قرار داده شده و در مواردی با یادآوری مصادیقی از بی‌نظمی موجود در جهان، مهدویت و انتظار را در این باره، کارگشا دانسته است. این بزرگوار با توجه به این نکته، ظلم و ستم را یکی از مظاهر مهم بی‌نظمی برشمرده که با تدبیر الهی در تنافی است. بر اساس مبنای یادشده، یکی از فلسفه‌های مهم مهدویت و انتظار، حاکمیت تدبیر الهی در تغییر رفتارهای انسان در نظم‌بخشی به زندگی است که در اندیشه اسلامی از آن به ظهور، یاد شده است. وی در این باره می‌فرماید:

اعتقاد به مهدی موعود، دل‌ها را سرشار از نور امید می‌کند. ... می‌شود نقشه سیاسی دنیا را عوض کرد، می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه

۱. قسر در اصطلاح به معنای منع کردن و ممنوع کردن چیزی از اثر طبیعی خودش است؛ مثلاً اثر طبیعی آتش سوزاندگی است. حال اگر چیزی جلوی سوزاندگی آتش را بگیرد و نگذارد آن بسوزاند، این را قسر گویند و عقلاً امری محال است. اثر طبیعی انسان به کمال رسیدن و رو به سوی خداوند داشتن است. حال اگر چیزی جلوی این کمال را بگیرد و نگذارد هیچ‌وقت انسان به کمال برسد، این امر عقلاً محال است. منظور از قسر اکثری آن است که چیزی در طبیعت در اکثر دوره عمرش از اقتضای ذاتی خود محروم شود. این هم عقلاً محال است. پس باید گفته شود که هر موجودی و هر پدیده‌ای در بیشتر دوره عمر به خواسته طبیعی‌اش می‌رسد و از اقتضای طبیعتش محروم نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۱۳).

فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملتی معتقد است نقشه ظالمانه و شیطانی امروز در کلّ عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می‌یابد و احساس می‌کند دست تقدیر، تسلّط ستم‌گران را برای همیشه به‌طور مسلّم ننوشته است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۷/۳۰).

در این بیان، حتمیت تغییر در جهان به معنای باور به این است که ظلم و ستم برای همیشه نباید ماندگار بماند؛ بلکه تدبیر الهی مقتضی آن است که روزی باید فرا برسد تا مظاهر مختلف ظلم و ستم از زندگی انسان، رخت برنندد و آن، روز ظهور منجی موعود است. این باور موجب می‌شود مردم در انتظار چنین روزی به‌سر برند و در آن‌ها انگیزه لازم برای درک آن روز به‌وجود آید و در نتیجه مردم خود را برای رسیدن به آن آماده می‌کنند. می‌توان گفت از منظر رهبر معظم انقلاب عدم وجود منجی با تدبیر الهی ناسازگار خواهد بود؛ زیرا لازمه‌اش این است که تلاش بشر به جایی نرسد و تلاش‌های پیامبران در دعوت مردم، ناکام و بدون فایده باشد. «اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه تلاش انبیا، همه این دعوت‌ها، این بعثت‌ها، این زحمات طاقت‌فرسا، این‌ها همه‌اش بی‌فایده باشد، بی‌اثر بماند؛ بنابراین، مسئله مهدویت یک مسئله اصلی است، جزو اصلی‌ترین معارف الهی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

بنابراین از دیدگاه جهان‌بینی اسلامی از طرفی باور به حاکمیت تدبیر الهی در جهان هستی، مقتضی باور به منجی و مهدویت است و از طرف دیگر، باور به مهدویت، انتظار را در پی خواهد داشت؛ در نتیجه باور به حاکمیت تدبیر الهی، مقتضی باور به انتظار خواهد بود. پس حاکمیت تدبیر الهی در جهان را می‌توان یکی از مبانی هستی‌شناختی انتظار برشمرد.

شاهد بر این مطلب، سخن یادشده در خصوص نابودی ظلم و ستم است که از سوی رهبر معظم انقلاب بیان شده و بر طبق آن، روزی فرا خواهد رسید که بنیان ظلم و ستم، ریشه‌کن می‌شود؛ زیرا جهان هستی در سایه تدبیر الهی اداره می‌شود و تدبیر الهی، قسر دائم بر استقرار ظلم و ستم در جهان را برای همیشه برنمی‌تابد.

بنابراین در پرتو این مبانی هستی‌شناختی، ظهور منجی موعود، سنت حتمی الهی و

امری غیر قابل تغییر خواهد بود. در سایه این باور، انتظار در مردم تثبیت و تقویت می شود و در نتیجه از این جهت می توان بین حاکمیت تدبیر الهی در جهان و انتظار پیوند برقرار کرد و آن را از مبانی هستی شناختی انتظار برشمرد؛ یعنی حاکمیت تدبیر الهی در جهان، مستلزم باور به سنت حتمی خداوند در نابود کردن ظلم و ستم است که در پرتو ظهور حضرت مهدی رخ خواهد داد و باور به مهدویت نیز انتظار را در پی دارد.

۲. انتظار و حکمت الهی

حکمت یکی دیگر از مبانی هستی شناختی است که بر اساس آن، نظام هستی مبتنی بر حکمت الهی است. حکمت، مستلزم اتقان و استواری در افعال الهی است؛ در نتیجه هر چه در اتقان و استواری فعل الهی خدشه و خلل ایجاد کند، با حکمت الهی ناسازگار است و همیشگی نخواهد بود؛ بنابراین ظلم و ستم گرچه امروز در جهان گسترش زیادی پیدا کرده، نمی تواند رویه دائمی جهان باشد. از طرفی بر اساس منابع و متون دینی، با ظهور منجی موعود ظلم و ستم، ریشه کن خواهد شد و عدالت گسترش همه جانبه خواهد یافت. می توان گفت: حکمت الهی، مقتضی ظهور منجی خواهد بود و باور به ظهور منجی، انتظار را در پی خواهد داشت.

از منظر حضرت آیت الله خامنه ای التزام به این مبنا، از دو جهت می تواند در انتظار نقش داشته باشد و جزو مبانی هستی شناختی انتظار به حساب آید:

الف. ایجاد امید به آینده: یکی از دستاوردهای این مبنا (نظام هستی بر اساس حکمت الهی) این است که مردم با اعتقاد بدان، باور دارند که بلایایی چون ظلم و ستم و باطل گروی و ... که با اتقان و استواری نظام هستی در تضادند، روزی از بین خواهند رفت و سنت دائمی در میان مردم نخواهند بود. التزام به این مبنا موجب خواهد شد مردم با امیدواری به آینده، حرکت و سمت و سوی جامعه را به گونه ای تنظیم کنند که آنان را برای دستیابی به آینده درخشان کمک کند و یأس و ناامیدی را از زندگی شان بر طرف سازد. در اندیشه اسلامی از چنین روزی به ظهور یاد شده است؛ بنابراین از طرفی حکمت مستلزم اتقان و استواری در افعال الهی است و از طرف دیگر، پدیده هایی چون

ظلم و ستم مخالف اتقان در فعل الهی‌اند؛ پس وجود این گونه پدیده‌ها سنت دائمی در جهان هستی نخواهد بود و روزی خواهد آمد که آن‌ها از میان خواهند رفت. از طرف سوم باور به منجی موعود که در دین اسلام در قالب اندیشه مهدویت متجلی شده، برای تحقق این منظور است و باور به تحقق چنین روزی، انتظار را در پی دارد.

در حقیقت، مهم‌ترین جایگاه حکمت الهی در فضای مهدویت علاوه بر ایجاد روح انتظار در باورمندان به مهدویت، امید را در افراد پرورش می‌دهد و آنان را به آینده امیدوار می‌کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر این مطلب، امیدآفرینی را از بزرگ‌ترین خواص اندیشه مهدویت و انتظار برمی‌شمرد. این بزرگوار در این باره می‌فرماید:

بزرگ‌ترین خاصیت این اعتقاد در میان شیعیان، امیدآفرینی است. جامعه تشیع فقط به برجستگی‌های تاریخ خود در گذشته متکی نیست، چشم به آینده دارد. یک نفر معتقد به مسئله مهدویت طبق اعتقاد تشیع، در سخت‌ترین شرایط، دل [را] خالی از امید نمی‌داند و شعله امید همواره وجود دارد؛ می‌داند که این دوران تاریکی، این دوران ظلم، این دوران تسلط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد شد. این یکی از مهم‌ترین آثار و دستاوردهای این اعتقاد است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴).

زیرا بر طبق باور به حکمت الهی، مهدویت و انتظار، تحقق‌بخش اراده الهی در نابودی ظلم و ستم است؛ لذا انتظار مشحون از امید خواهد بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با یادآوری این نکته می‌فرماید: «اعتقاد به مهدویت ... امید را در دل‌ها زنده می‌کند. هیچ‌وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود. چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد؛ برو و برگرد ندارد. سعی می‌کند که خودش را به آن برساند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵).

بر اساس این مبنا «افضل الاعمال» دانستن انتظار فرج توجیه می‌شود. این بزرگوار در این باره می‌فرماید:

وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج،

متوقع و مورد انتظار است. این درس امید به همه انسان‌هاست. این درس انتظار واقعی به همه انسان‌هاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

ب. پرورش و رشد استعدادها و احساس قدرت: پرورش و رشد استعدادها یکی دیگر از دستاوردهای مبنای یادشده (نظام هستی بر اساس حکمت الهی) است؛ زیرا انسان باورمند به این مبنای می‌داند که سنت الهی بر پیروزی حق بر باطل استوار است. پس در این راه باید کوشید. از آنجا که شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌ها در گرو رویارویی با مشکلات است، با اعتقاد به این مبنای، فرد در رویارویی با مشکلات، توانمند می‌شود و استعدادهايش ظهور و بروز می‌یابد و در مواجهه با مشکلات، هراسی به خود راه نخواهد داد؛ بنابراین باور به این مبنای، موجب می‌شود مهدویت و انتظار، توجیه درستی بیابد و با این مبنای هستی‌شناختی، منطبق شود.

این مطلب در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مورد تأکید قرار داده شده است. رهبر معظم انقلاب با تأسی از مبنای یادشده، درباره نقش مهدویت و انتظار در رشد و پرورش استعدادها به منظور رویارویی با مشکلات، می‌فرماید:

فرق است بین ملتی که حرکتی نمی‌کند، ... با آن ملتی که سختی راه را تحمل می‌کند، ... حرکت می‌کند و جلو می‌رود و این حرکت به جلو تا هر وقت که وجود داشته باشد، باعث می‌شود که درهای فرج به روی آن‌ها باز باشد. ... یکی از برکات اعتقاد به مهدویت این است که انسان احساس اطمینان می‌کند، احساس قوت قلب می‌کند، احساس قدرت می‌کند. ... ما در جبهه‌های جنگ هم جوان‌های خودمان را می‌دیدیم که به مدد غیبی و به توجه و نظر لطف ولی عصر - ارواحنا فداه - اعتقاد داشتند و از همان اعتقاد و از همان قوت قلب هم استفاده می‌کردند و توانایی مضاعف پیدا می‌کردند و پیش می‌رفتند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

در نتیجه با پرورش و رشد استعدادها و احساس قدرت در ملت‌ها، قدرت‌های استعمارگر نخواهند توانست بر آنان تسلط بیابند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای -مد ظله- با تأکید بر این نکته در این باره می‌فرماید:

جامعه‌ای که به مهدویت معتقد است، قوت قلب پیدا می‌کند. این قوت قلب برای

ملت‌ها خیلی مهم است. بدانید تسلط استعمار بر کشورهای اسلامی بعد از آن بود که توی دل ملت‌ها را خالی کردند؛ [در نتیجه،] آن‌ها احساس ضعف کردند، احساس عدم توانایی کردند. بعد این‌ها آمدند و با قدرت بر آن‌ها مسلط شدند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

بنابراین از طرفی باور به حکمت الهی، مستلزم باور به نابودی هر چیزی است که با اتقان و استواری افعال خداوند در تنافی است، و از طرف دیگر طبق معتقدات اسلامی با ظهور حضرت مهدی علیه السلام پدیده‌های مخالف با اتقان فعل الهی نظیر ظلم و ستم از بین خواهد رفت؛ در نتیجه، این باور، انتظار را در پی خواهد داشت.

۳. انتظار و قاعده لطف

قاعده لطف یکی دیگر از مبانی هستی‌شناختی است که بر اساس آن، نظام هستی مبتنی بر لطف الهی است. در اصطلاح متکلمان، لطف به نعمات و خیرات و مصالح و گاه بلا یا و آلامی گفته می‌شود که برای کمال معنوی و نیل به سعادت اخروی از جانب خداوند به بندگان می‌رسد و در صورت نبود آن، نظام آفرینش لغو و اصل تکلیف عبث می‌شود (حمصی رازی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۹۸).

ابزار هدایت، یکی از مظاهر مهم لطف به شمار می‌رود که بر طبق آن، خداوند برای سعادت و کمال انسان، ابزار هدایت را در قالب رسول باطنی به نام عقل و رسول ظاهری را به نام پیامبر در اختیار بشر قرار داده است. بر اساس مبنای یادشده، جهان هستی به وسیله خدایی حکیم و لطیف و ... تدبیر می‌شود و از آنجا که خداوند حکیم است، انسان را در رسیدن به هدف و مقصد نهایی خلقت، بدون ارائه طریق و راهنما رها نکرده است؛ در نتیجه لطف خداوند اقتضا می‌کند که در کنار عقل به عنوان رسول باطنی^۱، رسول ظاهری و امام نیز قرار دهد. از این رو گفته می‌شود بر خداوند، واجب است

۱. در روایات از عقل به رسول باطنی تعبیر شده است: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَيْمَةُ عليهم السلام وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۷).

هادیانی را بفرستد؛ یعنی لطفش مقتضی بعث و نصب هادی، برای راهنمایی انسان‌ها است. این امر، مختص زمان و مکان خاصی نیست؛ بنابراین تا زمانی که انسانی در جهان هستی وجود داشته باشد، لطف الهی مقتضی وجود هادی است. با نبوت پیامبر اسلام ﷺ اصل نبوت پایان یافت و در نتیجه لطف الهی دیگر هرگز در لباس نبوت جدید متجلی نخواهد شد؛ اما این به معنای تعطیل شدن لطف خداوند نیست. بر اساس دیدگاه شیعه امامیه، این لطف در قالب امامت با وظایف مخصوص به خود متجلی شده و همواره نیز ادامه خواهد داشت. در روایات، گاه از این امر به لزوم حجت الهی و گاه به لزوم وجود امام در زمین یاد شده است.

علاوه بر آن، خداوند برای به کمال رساندن انسان‌ها تکالیفی را قرار داده است که بدون انجام آن‌ها امکان ندارد انسان‌ها به کمال و سعادت برسند؛ بنابراین لازم است هرچه برای این هدف ضرورت دارد، در اختیار بشر گذاشته شود. از آنجا که وجود نبی و امام، موجب ایصال تکالیف به بندگان می‌شود، خداوند آن‌ها را به اقتضای لطف و حکمت خویش در اختیار انسان‌ها قرار داده است؛ به گونه‌ای که مردم در هیچ زمانی نباید بی‌راهنما باشند. مصداق راهنمای نبوی با خاتمیت پایان یافته است؛ اما مصداق راهنمای الهی در قالب «امام و حجت الهی» همچنان موجود است. در غیر این صورت، نقض غرض در تکالیف لازم می‌آید و نقض غرض بر خدای حکیم، قبیح است؛ بنابراین طبق قاعده لطف، چه لطف محض و چه لطف مقرب، وجود راهنما و امام لازم و ضروری است.

طبق برهان لطف، خداوند برای سعادت و کمال انسان، ابزار هدایت می‌فرستد؛ بنابراین از طرفی لطف خداوند اقتضا می‌کند در کنار رسول باطنی (عقل) رسول ظاهری نیز بفرستد؛ و از طرف دیگر نیاز به هدایت مقطعی و گذرا نیست، بلکه نیازی دائمی برای بشریت است. در نتیجه با ختم نبوت لطف الهی در قالب ارسال رسل پایان یافته است؛ اما این به معنای پایان لطف خداوند نیست. بنا بر رویکرد شیعه امامیه، این لطف در قالب امامت ادامه دارد. شاهد بر آن، روایاتی است که بر لزوم وجود حجت الهی و امام در زمین اشاره دارند.

از دیدگاه شیعه، تعداد امامان دوازده نفرند؛ نه کمتر و نه بیشتر. این مطلب از روایاتی که هم اهل تسنن و هم شیعه از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند، استفاده می‌شود. این روایات با الفاظ و تعبیر مختلف نقل شده‌اند؛ مانند: «اثنی عشر خلیفه کلهم من قریش» «اثنا عشر قیما» در روایاتی که از سوی شیعه نقل شده واژه «اثنی عشر اماما» نیز آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۵۲۹-۵۳۲).

این روایات از نظر تعداد طرقی که نقل شده‌اند در حد تواترند. بر این مطلب برخی از علمای اهل تسنن نیز تصریح کرده‌اند. ابن حزم در این زمینه می‌گوید: «روایت اثنی عشر که همگی از قریش باشند در حد تواتر است» (ابن حزم، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۷۴).

این احادیث نه از نظر سند قابل خدشه‌اند و نه از نظر متن. حتی برخی از افرادی که در احادیث مهدویت خدشه می‌کنند، راجع به اسناد این روایت حرفی ندارند و آنرا قبول دارند. با توجه به قطعی بودن این دسته از روایات، در طول تاریخ، بسیاری تلاش کوشیده‌اند حدیث اثنی عشر را بر خودشان تطبیق دهند. اما باید دقت کرد که این حدیث، نه بر خلفای بعد از پیامبر ﷺ قابل تطبیق است و نه بر امرا و خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس؛ زیرا تعداد آن‌ها یا کمتر و یا بیشتر از دوازده نفر است. این حدیث تنها بر دوازده امام که از عترت و اهل بیت رسول گرامی ﷺ هستند، قابل تطبیق است. شاهد بر آن، روایاتی است که از طریق شیعه امامیه نقل شده که در آن‌ها اسامی ائمه علیهم السلام یکی پس از دیگری به صراحت بیان شده است. در روایتی که امام علی I از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند اسامی ائمه بیان شده و با تعبیر «اثنی عشر اماما» آمده است (نعمانی، ۱۴۲۲ق، ص ۸۱). دوازده امام یکی پس از دیگری آمده و رفته‌اند تا نوبت رسیده به دوازدهمی آن‌ها که بنا بر مصالحی در حال غیبت به‌سر می‌برد. انتظار از آثار و نتایج باور به امام غایب است که بر اساس آن، فرد منتظر خواهد کوشید در خود، آمادگی لازم را برای ظهور ایجاد کند؛ بنابراین باور به امامت امام مهدی (عجل الله فرجه) را می‌توان از نتایج قاعده لطف دانست. این مطلب در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای -مد ظله- مورد تأکید است. از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، اهمیت اندیشه مهدویت در ردیف نبوت است؛ یعنی همان‌طور که نبوت مایه کمال انسان است، مهدویت نیز ظرفیت کمال و سعادت را برای

انسان فراهم می‌آورد و بدون آن، دعوت پیامبران بی‌فایده خواهد بود؛ بنابراین به منظور ترتب فایده بر دعوت پیامبران، لطف الهی مقتضی امامت و مهدویت و انتظار است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر ضرورت مهدویت و انتظار که می‌تواند مبتنی بر مبنای هستی‌شناختی یادشده باشد، می‌فرماید:

مسئله مهدویت در شمار چند مسئله اصلی در چرخه و حلقه معارف عالیله دینی است؛ مثل مسئله نبوت مثلاً، اهمیت مسئله مهدویت را در این حد باید دانست. چرا؟ چون آن چیزی که مهدویت مبشر آن است، همان چیزی است که همه انبیا، همه بعثت‌ها برای خاطر آن آمدند و آن، ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته و پرداخته بر اساس عدالت و با استفاده از همه ظرفیت‌هایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده؛ یک چنین دورانی است ... دوران حاکمیت توحید است، دوران حاکمیت حقیقی معنویت و دین بر سراسر زندگی انسان‌هاست، و دوران استقرار عدل به معنای کامل و جامع این کلمه است. خب، انبیا برای این آمدند ... همه حرکتی که بشریت در سایه تعالیم انبیا، در طول این قرون متمادیه انجام دادند، حرکت به سمت جاده آسفالته عریضی است که در دوران حضرت مهدی به سمت اهداف والا کشیده شده است که بشر در آن جاده حرکت خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب با تشکیل حکومت جهانی، بشر به جاده و شاهراه اصلی خویش وارد می‌شود و زمینه‌های لازم برای سعادت و کمال برای آن‌ها فراهم خواهد شد. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

مثل اینکه یک جماعتی از انسان‌ها در کوه و کمر و راه‌های دشوار و باتلاق‌زارها و خارستان‌ها با راهنمایی‌های کسانی همین‌طور حرکت دارند می‌کنند، تا خودشان را به آن جاده اصلی برسانند. وقتی به جاده اصلی رسیدند، راه باز است، صراط مستقیم روشن است، حرکت در آن آسان است، راحت در آن، راه حرکت می‌کنند ... این جاده اصلی همان جاده زمان ظهور است؛ همان دنیای زمان ظهور است که اصلاً حرکت بشریت به یک معنا از آنجا شروع می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

بنابراین می توان گفت از منظر رهبر معظم انقلاب -مد ظله- امامت و مهدویت از مظاهر لطف الهی در حق بشریت است؛ زیرا:

اگر مهدویت نباشد، معنایش این است که همه تلاش انبیا، همه این دعوت‌ها، این بعثت‌ها، این زحمات طاقت‌فرسا، این‌ها همه‌اش بی‌فایده باشد، بی‌اثر بماند؛ بنابراین، مسئله مهدویت یک مسئله اصلی است، جزو اصلی‌ترین معارف الهی است؛ لذاست که در همه ادیان الهی هم تقریباً ... یک چیزی که لب و معنای حقیقی آن همان مهدویت است، وجود دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).

بر این اساس باید گفت: «وجود مقدس حضرت بقیة الله -أرواحنا فداه- استمرار حرکت نبوت‌ها و دعوت‌های الهی است، از اول تاریخ تا امروز... وجود مقدس آن حضرت، ادامه سلسله داعیان الهی است. در زیارت آل یاسین می‌خوانید: «السَّلامُ عَلَیکَ یا داعِیَ اللهِ وَرَبَّانِیَ آیَاتِهِ»؛ یعنی شما امروز همان دعوت ابراهیم، همان دعوت موسی، همان دعوت عیسی، همان دعوت همه پیغمبران و مصلحان الهی و دعوت پیامبر خاتم را در وجود حضرت بقیة الله مجسم می‌بینید. این بزرگوار، وارث همه آنهاست و دعوت و پرچم همه آنها را در دست دارد و دنیا را به همان معارفی که انبیا در طول زمان آورده‌اند و به بشر عرضه کرده‌اند، فرا می‌خواند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۲۹).

گفته شد از طرفی بنابر دیدگاه رهبر معظم انقلاب، امامت و مهدویت از مظاهر لطف الهی است و در نتیجه قاعده لطف، مبنای هستی‌شناختی مهدویت است. و از طرف دیگر، انتظار از نتایج باور به مهدویت است؛ پس قاعده لطف همچنین مبنای هستی‌شناختی انتظار نیز محسوب می‌شود.

رهبر معظم انقلاب با تأکید بر این مطلب، درباره منتج شدن انتظار از باور به مهدویت می‌فرماید: «مسئله انتظار هم که جزء لاینفک مسئله مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است. ... انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۸).

بنابراین از دیدگاه، لطف الهی اقتضا می‌کند با رسالت رسول خاتم، امامت، ادامه‌دهنده راه او باشد و این لطف در قالب دوازده امام متجلی شده است. امام

مهدی علیه السلام به عنوان امام دوازدهم، مظهر و تجلی لطف الهی است و غیبت آن حضرت موجب شده است حالت انتظار در باورمندان به ایشان به وجود آید؛ پس، از این جهت می توان قاعده لطف را یکی از مبانی هستی شناختی انتظار برشمرد.

نتیجه گیری

انتظار فرج که عنصر مشترک همه ادیان است، در حوزه های مختلف فردی و اجتماعی، آمادگی لازم را به وجود می آورد و آرمان گرایی و نشاط و پویایی و وظیفه شناسی و روح امید را در افراد زنده می کند. در اندیشه اسلامی این باور در قالب اندیشه مهدویت متجلی شده است. اهمیت این اندیشه، باعث شده است همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی به ویژه عالمان اندیشوران شیعه قرار گیرد و آنان حرکت های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را بر اساس آن پی ریزی کنند. به هدف ایجاد آمادگی در جامعه منتظر، لازم است دیدگاه این اندیشوران درباره انتظار، واکاوی شود؛ بدین منظور در این نوشته، مبانی هستی شناختی انتظار در منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای - مد ظلّه - بررسی شد. مهم ترین اقدامات این تحقیق عبارت است از:

۱. در تبیین دو مفهوم مبانی هستی شناختی و انتظار، دیدگاه رهبر معظم انقلاب مد نظر قرار داده شد و حتی الامکان سعی گردید با استناد به سخنان و آثار وی، تبیین صورت گیرد.
 ۲. مبانی هستی شناختی انتظار در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب به صورت نظام مند در سه بنای انتظار و تدبیر الهی، انتظار و حکمت الهی، انتظار و لطف الهی؛ بحث و بررسی گردید و ارتباط انتظار با این سه تبیین و با سخنان رهبر معظم انقلاب تطبیق داده شد.
- تبیین صورت گرفته از مبانی هستی شناختی انتظار که در این مقاله، بدان پرداخته شده، بدون وجود پیشینه لازم بوده است؛ در نتیجه ممکن است به زوایا و ابعاد از این بحث پرداخته نشده باشد. امید است در پژوهش های دیگر به ابعاد ناگفته این بحث پرداخته شود. از محدودیت های این پژوهش، عدم نظام بندی سخنان رهبر معظم انقلاب - مد ظلّه - در خصوص مبانی یاد شده و عدم کار پژوهشی و فقدان منابع لازم در این خصوص است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن حزم، علی بن محمد. (۱۴۱۶ق). الفصل فی الملل و الأهواء و النحل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۳. ترخان، قاسم. (۱۳۹۵). براینده مبانی جهان‌شناختی الگوی اسلامی پیشرفت. قیسات، ۲۱(۸۰)، صص ۳۳-۶۲.
۴. حمصی رازی، محمود بن علی. (۱۴۱۴ق). المنقذ من التقليد. قم: اسلامی.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵)، نیمه شعبان دیدار با اقشار مردم، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۶)، نیمه شعبان دیدار با اقشار مردم، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱)، نیمه شعبان دیدار با اقشار مردم، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴)، نیمه شعبان دیدار با اقشار مردم، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰)، دیدار با اساتید و دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۴)، بیانات در مراسم سالگرد امام خمینی، برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir>
۱۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. زبیدی، محمد بن مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس. بیروت: دارالفکر.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان (چاپ دوم). بیروت: اعلمی.
۱۴. طریحی، فخرالدین محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (چاپ سوم). تهران: مرتضوی.
۱۵. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۵). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۸. موسوی اصفهانی، محمدتقی. (۱۴۲۸ق). مکیال المکارم (چاپ پنجم). قم: مؤسسة الامام المهدي.
۱۹. نعمانی، محمد. (۱۴۲۲ق). الغيبة (محقق: فارس حسون کریم، چاپ اول). قم: انوارالهدی.